

بررسی نقش تعدیلگر استقلال هیئت مدیره بر رابطه بین ساختار مالکیت با شکاف مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مهدی حیدری*، حمزه دیدار**، سکینه طاهریان***

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۷/۲۳

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر استقلال هیئت مدیره بر رابطه بین ساختار مالکیت با شکاف مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای ۶۲ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۶ است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از تحلیل رگرسیون مبتنی بر داده‌های تلفیقی استفاده شده است. متغیرهای مستقل در این پژوهش عبارتند از ساختار مالکیت شامل مالکیت خانوادگی و مالکیت شرکتی و متغیر وابسته این پژوهش شکاف مالیاتی است که برای اندازه‌گیری آن از اختلاف مالیات تعیین شده از مالیات ابرازی، و همچنین برای اندازه‌گیری استقلال هیئت مدیره به عنوان متغیر تعدیلی از نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره و از متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی استفاده گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین مالکیت خانوادگی و شکاف مالیاتی رابطه منفی و معنادار و بین مالکیت شرکتی و شکاف مالیاتی رابطه مثبت و معنادار برقرار است و استقلال هیئت مدیره نقش تعدیل‌گر بر این روابط را ندارد.

واژه‌های کلیدی: شکاف مالیاتی، استقلال هیئت مدیره، ساختار مالکیت، مالکیت خانوادگی، مالکیت

شرکتی.

طبقه‌بندی موضوعی: G34,H26,M41

DOI: 10.22051/jera.2017.10279.1301

*استادیار گروه حسابداری دانشگاه ارومیه، نویسنده مسئول، (m.heydari@urmia.ac.ir)

**استادیار گروه حسابداری دانشگاه ارومیه، (h.didar@urmia.ac.ir)

***دانشجوی کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه ارومیه، (taherian452@gmail.com)

مقدمه

برای سالیان متمادی در گذشته، اقتصاددانان فرض می‌کردند که تمامی گروه‌های مربوط به یک شرکت سهامی برای یک هدف مشترک فعالیت می‌کنند؛ با جدا شدن مالکیت و مدیریت، مدیران به عنوان نماینده سهامداران، شرکت را اداره می‌کنند (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). اما در سی سال گذشته موارد بسیاری از تضاد منافع بین گروه‌ها و چگونگی مواجهه شرکت‌ها با این گونه تضادها از سوی اقتصاددانان مطرح شده است. این موارد به طور کلی تحت عنوان «تئوری نمایندگی» مطرح و به تضاد و تعارضی که از دوگانگی و اختلاف بین اهداف مدیران و اهداف سهامداران و سایر ذینفعان (دولت) نشأت می‌گیرد، می‌پردازد. از دیدگاه دولت به عنوان یکی از ذینفعان شرکت، مالیات یکی از موضوعاتی است که بااهمیت بوده و در یک نگاه، ابزاری در خدمت درآمد دولت است. اما در نگاهی دقیق‌تر، سیاست‌های مالیات را نشان می‌دهد که ابزار موثر و کارآمد در توسعه مسیر اقتصادی کشور است. از دیدگاه مالیات‌دهندگان، به ویژه شرکت‌ها، مالیات یک بار مسئولیتی هم برای شرکت و هم برای سهامداران است. بنابراین شرکت‌ها استراتژی‌های مالیاتی را برای به حداقل رساندن، رفع و یا به تعویق انداختن بدهی مالیاتی به کار می‌گیرند (بحری ثالث و همکاران، ۱۳۹۳). در این راستا، دولت به عنوان یکی از ذینفعان شرکت‌ها، برای تشخیص مالیات بر اظهارنامه‌های مالیاتی که توسط مودیان مالیاتی تنظیم و تسلیم می‌گردد، تکیه می‌کند (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹). با وجود تکیه دولت بر اظهارنامه‌های مؤدیان، در بیشتر کشورهای در حال توسعه، دستگاه مالیاتی کارایی لازم را ندارد بنابراین مالیات ابراز شده با مالیات تعیینی یکسان نیست که در اصطلاح به آن شکاف مالیاتی گفته می‌شود. سازوکارهای حاکمیت شرکتی دربرگیرنده مجموعه‌ای از روابط میان شرکت، هیئت مدیره، سهامداران و سایر گروه‌های ذینفع است (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳). براساس بررسی‌های انجام شده، سقوط سهام شرکت‌هایی چون آدلفا، انرون و ورلد کام تا حد زیادی به علت اصول حاکمیت شرکتی ضعیف شرکت‌های فوق بوده است (کنزلمان و دکین، ۲۰۰۴). یکی از مقولات مهم در حاکمیت شرکتی آگاهی از ساختار مالکیت و درجه‌بندی آن در مقیاس‌های استاندارد می‌باشد (نمازی و کرمانی، ۱۳۸۷). ساختار مالکیت شرکت‌ها ممکن است به تغییر رفتار شرکت‌ها در ارائه گزارش‌های مالی منجر شود. این امر از فعالیت‌های نظارتی که سرمایه‌گذاران مختلف در این ساختار انجام می‌دهند، نشأت می‌گیرد (ولیوری و جنکینز، ۲۰۰۶). در هر یک از اشکال مختلف مالکیت، خانوادگی

و شرکتی می‌توانند با انتخاب اعضای هیئت مدیره، بطور غیرمستقیم در تصمیم‌گیری‌های شرکت نقش ایفا کنند. در مباحث حاکمیت شرکتی بر اهمیت نقش مدیران غیراجرایی در بهبود فرآیند گزارشگری و در خصوص امور مالیاتی تأکید شده و جایگاه هیات مدیره شرکت به عنوان نهاد هدایت‌کننده‌ای بر کار مدیران اجرایی را بر عهده دارد، بیش از پیش اهمیت می‌یابد. در سال‌های اخیر در ایران، تحقیقاتی متعددی در مورد اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی انجام پذیرفته است لیکن بدلیل مشخص نبودن علت تفاوت مالیات ابرازی و قطعی و در نظر گرفتن تعاریف آن نمی‌توان این تفاوت را مستقیماً به یکی از دو موضوع فرار و اجتناب مالیاتی نسبت داد در این پژوهش از شکاف مالیاتی بحث می‌شود. در کشور ایران، بدلیل ساختارهای متفاوت مالکیتی شرکت‌ها و روند خصوصی سازی برخی شرکت‌ها و مطالب بیان شده فوق، هدف این پژوهش بررسی رابطه بین ساختار مالکیت با شکاف مالیاتی و تأثیر نقش تعدیل‌گر استقلال هیئت مدیره بر آن اشاره کرد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

شکاف مالیات و استقلال هیات مدیره

مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی باید بتواند فعالیت‌های اجتناب از مالیات و شکاف مالیاتی را در راستای حداکثر کردن ثروت فعالان بازار سرمایه هدایت کند. با توجه به این که از یک سو، تمرکز حاکمیت شرکتی روی هیئت مدیره بوده و وظیفه‌ی هیئت مدیره، حداکثر کردن ثروت سهام‌داران است و از سوی دیگر، این دیدگاه وجود دارد که اجتناب از مالیات می‌تواند ابزاری برای افزایش ثروت سهام‌داران باشد، انتظار می‌رود هرچه استقلال هیئت مدیره بیشتر باشد، اجتناب از مالیات کمتری انجام گرفته و شکاف مالیاتی کاهش یابد. لذا، از دیدگاه نظری؛ از هیأت مدیره‌های مستقل انتظار می‌رود که بر استراتژی‌های راهبردی شرکت، به ویژه برنامه‌های اتخاذ شده در زمینه مالیات، نظارت مستقیم داشته باشند بنابراین استقلال هیئت مدیره می‌تواند بر شکاف مالیاتی شرکت‌ها تأثیر منفی گذارد که نشان از نقش تعدیل‌گر استقلال هیئت مدیره در رابطه بین ساختار مالکیت و شکاف مالیاتی دارد. شرکت‌هایی که دارای مالکیت شرکتی هستند در مقایسه با شرکت‌هایی که از مالکیت خانوادگی برخوردارند، شکاف مالیاتی بیشتر بوده و نظر به اینکه در شرکت‌های خانوادگی استقلال هیئت مدیره بیشتر می‌باشد انتظار می‌رود شکاف مالیاتی با مقیاس بیشتری کاهش یابد.

شکاف مالیاتی و مالکیت شرکتی و مالکیت خانوادگی

هدف سرمایه‌گذاران شرکتی حداکثر کردن ثروت می‌باشند و با نفوذ و کنترلی که در ساختار مالکیت شرکت‌ها به دست می‌آورند، به دنبال محقق کردن این هدف برمی‌آیند. بنابراین؛ می‌توان اذعان کرد مدیران تمایل به انجام فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌های مالیاتی، جهت صرفه‌جویی‌های نقدی و افزایش ارزش شرکت دارند. بنابراین می‌توان انتظار داشت که شرکت‌های با مالکیت شرکتی شکاف مالیاتی در آن‌ها بیشتر باشد. چن و همکاران (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که مالکان خانوادگی با توجه به هزینه‌های ناشی از اعمال استراتژی‌های مالیاتی بیشتر از سایرین نگران جریمه‌های بالقوه و لطمه به خوشنامی و اعتبار ناشی از ممیزی دولت می‌باشند و انگیزه کمتری برای اجتناب مالیاتی دارند و بنابراین می‌توان گفت که در شرکت‌های با مالکیت خانوادگی، با توجه به فزونی هزینه‌ها از منافع اعمال استراتژی‌های مالیاتی، شکاف مالیاتی در آن‌ها کمتر باشد.

پیشینه پژوهش

فریز و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «وضع مالیات و اصول راهبری شرکتی» به این نتیجه رسید که قانون مالیات می‌تواند اصول راهبری شرکت‌ها را با تخصیص امتیازها یا تحمیل مجازات تحت تأثیر قرار دهد. به علاوه، ساختار اصول راهبری شرکت‌ها از اینکه شرکت چگونه مالیات را مدیریت می‌کند، تأثیر می‌پذیرد. همچنین، سیستم مالیاتی می‌تواند اصول راهبری شرکت‌ها را در دوره پرداخت سود سهام متأثر کند. ساتوری (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «تأثیر رفتار مالیاتی استراتژیک بر حاکمیت شرکتی» نشان داد که واکنش بین حاکمیت شرکتی و مالیات به صورت متقابل است. در واقع از یک سو، قواعد حاکمیت شرکتی تأثیرات ساختاری در برآورده کردن تعهدهای مالیاتی شرکت‌ها دارد و از سوی دیگر، طرح‌های مالیاتی (از دیدگاه دولت) و ارتباط دادن آنها به راهبردهای مالیاتی (از دیدگاه شرکت)، می‌تواند تأثیر بسزایی در ایجاد حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد. مینیک و نوگا (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای با عنوان «آیا ویژگی‌های اصول راهبری شرکتی بر مدیریت مالیات تأثیر می‌گذارند؟». یافته‌ها نشان دادند که طرح‌های پاداش به عنوان محرکی برای مدیران جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های بلندمدت و مالیات عمل می‌کند. و همچنین مدیریت مالیات سهامداران را متفع می‌سازد و مدیریت مالیات به طور مثبت با افزایش عایدی

سهامداران در ارتباط است. چن و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای با عنوان «آیا رویه مالیاتی متهورانه شرکت‌های خانوادگی بیشتر از شرکت‌های غیرخانوادگی است؟». به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های خانوادگی نسبت به رقبای غیر خانوادگی خود از پرداخت مالیات کمتر اجتناب می‌کنند. مالکان خانوادگی بیشتر از سایرین نگران جریمه‌های بالقوه و لطمه به خوشنامی و اعتبار ناشی از ممیزی دولت می‌باشند و انگیزه کمتری برای اجتناب مالیاتی دارند. لنیس و ریچاردسون (۲۰۱۱) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر ترکیب هیئت مدیره بر رویه مالیاتی متهورانه شرکت‌ها» به این نتیجه رسید که تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره، رابطه منفی و معناداری با رویه مالیاتی متهورانه دارد. به بیان دیگر، هرچه تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره بیشتر باشد، شرکت کمتر به مدیریت مالیات روی می‌آورد. لندری و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان «مالیات متهورانه، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و ساختار مالکیت» در بازه زمانی ۲۰۰۸-۲۰۰۴ در بین شرکت‌هایی کانادایی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های خانوادگی مالیات متهورانه کمتری نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی دارند. آنیوار و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان «ساختار مالکیت، حاکمیت و اجتناب مالیاتی» به بررسی رابطه ساختار مالکیت و اجتناب از مالیات شرکت‌ها در شرکت‌های مالزی طی سال‌های ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۳ پرداختند. نتایج نشان دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین ساختار مالکیت و اجتناب از مالیات یافت شد و همچنین منافع و هزینه های ناشی از اجتناب مالیاتی شناسایی گردید. نمازی و کرمانی (۱۳۸۷) به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۲ پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معنی‌دار و منفی بین مالکیت نهادی و عملکرد شرکت و رابطه معنی‌دار و مثبت بین مالکیت شرکتی و عملکرد شرکت وجود دارد. مالکیت مدیریتی به صورت معنی‌دار و منفی بر عملکرد تأثیر می‌گذارد مالکیت خصوصی نیز بهتر است مالکیت عمده در اختیار سرمایه‌گذاران شرکتی باشد. به گونه کلی، نیز بین ساختار مالکیت شرکت‌ها و عملکرد آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد. کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که بین نسبت اعضای غرموظف و مالکیت شرکتی با افشای اختیاری ارتباط معنادار مثبتی وجود دارد.

باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) در پژوهشی رابطه اصول راهبری شرکت‌ها و سود مشمول مالیات شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول

مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت‌هایی که دارای معیارهای اصول راهبری شرکتی هستند با گروه شرکت‌هایی که از معیارهای اصول راهبری شرکت‌ها برخوردار نیستند، تفاوت معناداری وجود ندارد. پورحیدری و برهانی‌نژاد (۱۳۹۲) به بررسی رابطه بین خصوصیات اصول راهبری شرکت‌ها و مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۶ پرداختند. نتایج نشان داد که ارتباط منفی و معناداری بین ترکیب هیئت مدیره و نرخ مؤثر مالیاتی وجود دارد. دیدار و همکاران (۱۳۹۳) بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و شکاف مالیاتی طی بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ پرداخته شده است. نتایج پژوهش بیانگر این است که رابطه متغیرهای استقلال هیئت مدیره، مالکیت دولتی، نوع اظهارنظر حسابرسان، تغییر حسابرسان و اهرم مالی با شکاف مالیاتی، منفی است و متغیرهای حسابرسانی داخلی و اندازه شرکت رابطه مثبتی با شکاف مالیاتی دارند. همچنین متغیرهای دوگانگی نقش مدیرعامل، سهامداران نهادی و معامله با اشخاص وابسته، رابطه معناداری با شکاف مالیاتی ندارند. نتایج تحقیق مجتهدزاده و همکاران (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که بین مالکیت بلوکی و معیار اختلاف دائمی مالیات رابطه معنادار و منفی و با نرخ مؤثر مالیات نقدی رابطه معناداری یافت نشد. ضمناً بین مالکیت نهادی و معیار اختلاف دائمی مالیات رابطه معنادار و منفی و در روش نرخ مؤثر مالیات نقدی رابطه معناداری یافت نشد. نتیجه دیگر تحقیق مجتهدزاده و همکاران (۱۳۹۴) این بود که افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی موجب کاهش گریز مالیاتی شرکتی می‌شود. دیانتی و شکراللهی (۱۳۹۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند سازوکارهای نظام راهبری قوی موجب می‌شوند که رابطه بین احتساب مالیاتی و سطح نگهداشت وجه نقد و ارزش وجه نقد نگهداری شده در شرکت ضعیف شود. حسینی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی بیان نمودند ساختار مالکیت پیچیده در شرکت‌های تابعه بر معاملات عملیاتی و غیرعملیاتی اشخاص وابسته اثرگذار است. همچنین، رابطه ساختار مالکیت پیچیده با معاملات غیرعملیاتی اشخاص وابسته از اندازه گروه اثر می‌پذیرد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری پیش گفته، فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

فرضیه ۱: بین مالکیت خانوادگی و شکاف مالیاتی شرکت رابطه‌ی منفی معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین مالکیت شرکتی و شکاف مالیاتی شرکت رابطه‌ی مثبت معنی‌داری وجود دارد.
فرضیه ۳: ارتباط منفی بین مالکیت خانوادگی و شکاف مالیاتی با در نظر گرفتن استقلال هیئت مدیره بیشتر می‌گردد.

فرضیه ۴: ارتباط مثبت بین مالکیت شرکتی و شکاف مالیاتی با در نظر گرفتن استقلال هیئت مدیره کمتر می‌گردد.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است و شرکت‌های نمونه با لحاظ شرایط زیر انتخاب شدند:

۱. قبل از سال ۱۳۸۶ در بورس تهران پذیرفته شده و تا سال ۱۳۹۲ در بورس تهران فعالیت داشته باشد.

۲. برخی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس شامل بانک‌ها و مؤسسات مالی و... از نمونه حذف می‌شوند.

۳. سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند باشد و در دوره مورد نظر تغییر سال نداده باشند.

۴. اطلاعات مورد نیاز (شامل مالیات ابرازی و مالیات تعیینی «تشخیصی یا قطعی») وجود داشته باشد.

۵. شرکت مورد نظر طی دوره پژوهش فعالیت مستمر داشته باشد.

با توجه به شرایط فوق‌الذکر تعداد ۶۲ شرکت، در نهایت تعداد ۴۳۴ شرکت - سال در بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۹۲ به عنوان نمونه انتخاب گردید.

روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا توصیفی - همبستگی می‌باشد.

مدل های آماری فرضیه ها

با توجه به مطالب بالا برای آزمون هر یک از فرضیه ها از مدل های آماری زیر استفاده می شود:

مدل ارائه شده برای فرضیه ۱:

$$TG_{it} = \beta_0 + \beta_1 FAM_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل ارائه شده برای فرضیه ۲:

$$TG_{it} = \beta_0 + \beta_1 CORP_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل ارائه شده برای فرضیه ۳:

$$TG_{it} = \beta_0 + \beta_1 FAM_{it} + \beta_2 BI_{it} + \beta_3 (FAM * BI)_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل ارائه شده برای فرضیه ۴:

$$TG_{it} = \beta_0 + \beta_1 CORP_{it} + \beta_2 BI_{it} + \beta_3 (CORP * BI)_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته: شکاف مالیاتی

شکاف مالیاتی از رابطه‌ی زیر به پیروی از دیدار و همکاران (۱۳۹۳) بدست آورده شده است:

$$TG_{it} = CT_{it} - ET_{it}$$

TG_{it} (Tax GAP): شکاف مالیاتی، بیانگر اختلاف بین مالیات تعیینی و مالیات ابرازی

اطلاعات مربوط به مالیات ابرازی و مالیات تعیینی (اعم از تشخیصی یا قطعی یا نظر نهایی) ش. اری عالی مالیاتی، از یادداشت های همراه صورت های مالی استخراج می گردد. اولویت در انتخاب مالیات تعیینی، مالیات قطعی است و در مواردی که مالیات هنوز قطعی نشده باشد، از مالیات تشخیصی استفاده می شود.

ET_{it} (Expression Tax): میزان مالیات عملکرد ابراز شده توسط واحد اقتصادی

مالیاتی CT_{it} (Certain Tax): میزان مالیات عملکرد قطعی شده (تعیینی) توسط سازمان امور مالیاتی

متغیرهای مستقل: مالکیت خانوادگی و مالکیت شرکتی

FAM_{it} : نسبت سهام نگهداری شده توسط اعضای خانواده به کل سهام در شرکت i در سال t ؛

$CORP_{it}$: نسبت سهام نگهداری شده توسط اجزای شرکتهای سهامی به کل سهام در شرکت i در سال t ؛

متغیر تعدیل گر: استقلال هیئت مدیره

BI_{it} : برای اندازه گیری متغیر استقلال هیئت مدیره از اعضای غیرموظف در هیئت مدیره استفاده می شود.

$(FAM * BI)_{it}$: نشان دهندهی عکس العمل متقابل بین مالکیت خانوادگی و استقلال هیئت مدیره است.

$(CORP * BI)_{it}$: نشان دهندهی عکس العمل متقابل بین مالکیت شرکتی و استقلال هیئت مدیره است.

متغیرهای کنترلی

$SIZE_{it}$: اندازه شرکت، لگاریتم طبیعی ارزش دارایی‌ها شرکت i در سال t

LEV_{it} : اهرم مالی (نسبت بدهی)؛ تقسیم کل بدهی‌ها بر دارایی‌ها در شرکت i در سال t

ROA_{it} : بازده دارایی؛ تقسیم سود قبل از کسر مالیات بر کل دارایی‌ها شرکت i در سال t

روش آزمون فرضیات

از نظر نوع روش‌های آماری، مدل رگرسیون چند متغیره با داده‌های ترکیبی می‌باشد. داده‌ها با استفاده از صفحه گسترده Excel مرتب و به کمک نرم‌افزارهای Stata, Eviews تحلیل شد.

آزمون نهایی حاصل از برازش مدل رگرسیون فرضیه ۱

مدل فرضیه اول تحقیق دارای مشکل ناهمسانی و خودهمبستگی است به عبارتی باید از روش EGLS و الگوی اثرات ثابت از پارامتر (1) AR جهت آزمون این فرضیه استفاده گردید، نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فوق در نگاره ۲ ارائه شده است. مقدار آماره $F(۶/۶۹۴)$ نیز حاکی از معناداری کل مدل رگرسیون می‌باشد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد از تغییرات شکاف مالیاتی شرکت‌های مورد بررسی توسط متغیرهای مستقل مزبور تبیین می‌شوند. همچنین آماره دورین واتسون $۲/۱۹$ می‌باشد که در بازه قابل قبول (بین $۱/۵$ تا $۲/۵$) قرار دارد، بنابراین مشکل خود همبستگی بین جملات خطا آن رفع شده است. براین اساس ضریب متغیر FAM منفی است و سطح معنی داری آن در سطح اطمینان $۰/۹۵$ برابر با $۰/۰۰۷$ می‌باشد، بنابراین بین مالکیت خانوادگی و شکاف مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه اول تحقیق تأیید می‌شود.

نگاره (۲). نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فرضیه اول

$TG_{it} = \beta_0 + \beta_1 FAM_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$			
نام متغیر	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی داری
FAM	-۱/۰۱	-۲/۷۰۹۹	۰/۰۰۷۱
LEV	۵/۸۰	۱/۹۵۲۰	۰/۰۵۱۸
ROA	-۷/۵۰	-۲/۳۲۱۶	۰/۰۲۰۹
SIZE	۳/۷۶	۹/۰۳۲۷	۰/۰۰۰
C	-۴/۴۷	-۷/۶۵۷۶	۰/۰۰۰
AR (1)	۰/۰۶۷۹۸۸	۱/۱۹۱۱	۰/۲۳۴۵
ضریب تعیین	۰/۵۹	آماره F	۶/۶۹۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۰	معنی داری (P-Value)	۰/۰۰۰
		آماره دورین واتسون	۲/۱۹

آزمون نهایی حاصل از برازش مدل رگرسیون فرضیه ۲

مدل فرضیه دوم تحقیق دارای مشکل ناهمسانی و خودهمبستگی است به عبارتی باید از روش EGLS و الگوی اثرات تصادفی با در نظر گرفتن روش تفاضلی جهت آزمون این فرضیه استفاده گردد، نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فوق در نگاره ۳ ارائه شده است. مقدار آماره $F(۵/۰۵۳)$ نیز حاکی از معناداری کل مدل رگرسیون می‌باشد. همچنین ضریب

تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود ۰/۰۹ درصد از تغییرات شکاف مالیاتی شرکت‌های مورد بررسی توسط متغیرهای مستقل مزبور تبیین می‌شوند. همچنین آماره دورین واتسون ۱/۶۱ می‌باشد که در بازه قابل قبول (بین ۱/۵ تا ۲/۵) قرار دارد، بنابراین مشکل خود همبستگی بین جملات خطا رفع شده است.

براین اساس ضریب متغیر CORP مثبت است و سطح معنی‌داری آن در سطح اطمینان ۹۵/۰ برابر با ۰/۰۰۵ می‌باشد، بنابراین بین مالکیت شرکتی و شکاف مالیاتی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود.

تکرار (۳). نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فرضیه دوم

$TG_{it} = \beta_0 + \beta_1 CORP_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$			
نام متغیر	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی‌داری
CORP	۱/۴۰	۲/۷۹۱۵	۰/۰۰۵۵
LEV	۲/۰۷	۱/۹۶۱۲	۰/۰۵۰۵
ROA	-۴/۸۳	-۳/۴۴۶۴	۰/۰۰۰۶
SIZE	۳/۸۰	-۱/۰۳۸۹	۰/۲۹۹۴
C	۱/۸۱	۰/۳۲۷۱	۰/۷۴۳۷
ضریب تعیین	۰/۱۱	آماره F	۵/۰۵۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۹	معنی‌داری (P-Value)	۰/۰۰۰۵
		آماره دورین واتسون	۱/۶۱

آزمون نهایی حاصل از برازش مدل رگرسیون فرضیه ۳

مدل فرضیه سوم تحقیق دارای مشکل ناهمسانی و عدم خودهمبستگی است به عبارتی از روش EGLS و الگوی اثرات ثابت جهت آزمون فرضیه سوم استفاده گردد، نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فوق در نگاره ۴ ارائه شده است. مقدار آماره F (۵/۰۳۶) نیز حاکی از معناداری کل مدل رگرسیون می‌باشد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود ۳۸ درصد از تغییرات شکاف مالیاتی شرکت‌های مورد بررسی توسط متغیرهای مستقل مزبور تبیین می‌شوند. همچنین آماره دورین واتسون معادل ۱/۹۶ می‌باشد که در بازه قابل قبول (بین ۱/۵ تا ۲/۵) قرار دارد.

براین اساس متغیر FAM*BI سطح معنی‌داری آن در سطح اطمینان ۰/۹۵ برابر با ۰/۱۷ می‌باشد، بنابراین ارتباط بین مالکیت خانوادگی و شکاف مالیاتی با در نظر گرفتن استقلال هیئت مدیره تعدیل نمی‌گردد و معنادار نمی‌باشد. فرضیه سوم پژوهش تأیید نمی‌شود.

نگاره (۴). نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فرضیه سوم

$TG_{it} = \beta_0 + \beta_1 FAM_{it} + \beta_2 BI_{it} + \beta_3 (FAM * BI)_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$			
نام متغیر	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی‌داری
FAM	۶/۵۶	۱/۲۱۳	۰/۲۲۵۹
BI	۴/۳۸	۱/۳۳۵	۰/۱۸۲۷
FAM*BI	-۹/۲۳	-۱/۳۶۶	-۰/۱۷۲۹
LEV	۱/۳۱	۰/۵۳۷۱	۰/۵۹۱۵
ROA	-۲/۹۸	-۱/۱۸۷	۰/۲۳۶۰
SIZE	۱/۷۷	۴/۰۶۳	۰/۰۰۰۱
C	-۲/۱۲	-۳/۱۶۳	۰/۰۰۱۷
ضریب تعیین	۰/۴۸	آماره F	۵/۰۳۶
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۸	معنی‌داری (P-Value)	۰/۰۰۰
		آماره دوربین واتسون	۱/۹۶

آزمون نهایی حاصل از برازش مدل رگرسیون فرضیه ۴

مدل فرضیه چهارم تحقیق دارای مشکل ناهمسانی و عدم خودهمبستگی است به عبارتی باید از روش EGLS و الگوی اثرات ثابت جهت آزمون این فرضیه استفاده گردد، نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فوق در نگاره ۵ ارائه شده است. مقدار آماره F (۴/۵۴۰) نیز حاکی از معناداری کل مدل رگرسیون می‌باشد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود ۳۵ درصد از تغییرات شکاف مالیاتی شرکت‌های مورد بررسی توسط متغیرهای مستقل مزبور تبیین می‌شوند. همچنین آماره دوربین واتسون ۲/۰۷ می‌باشد که در بازه قابل قبول (بین ۱/۵ تا ۲/۵) قرار دارد.

براین اساس متغیر CORP*BI سطح معنی‌داری آن در سطح اطمینان ۰/۹۵ برابر با ۰/۱۶ می‌باشد، بنابراین ارتباط بین مالکیت شرکتی و شکاف مالیاتی با در نظر گرفتن استقلال هیئت مدیره تعدیل نمی‌گردد و معنادار نمی‌باشد. فرضیه چهارم پژوهش تأیید نمی‌شود.

نگاره (۵). نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فرضیه چهارم

$TG_{it} = \beta_0 + \beta_1 CORP_{it} + \beta_2 BI_{it} + \beta_3 (CORP * BI)_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$			
نام متغیر	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی داری
CORP	-۵/۱۲	-۰/۸۰۷۸	۰/۴۱۹۷
BI	-۳/۶۲	-۰/۹۹۷۹	۰/۳۱۸۹
CORP*BI	۱/۵۴	۱/۴۰۳	۰/۱۶۱۴
LEV	۱/۴۱	۰/۶۰۴۷	۰/۵۴۵۷
ROA	-۳/۳۳	-۱/۴۰۲	۰/۱۶۱۸
SIZE	۱/۵۴	۳/۹۷۲	۰/۰۰۰۱
C	-۱/۳۹	-۲/۳۷۲	۰/۰۱۸۲
ضریب تعیین	۰/۴۵	آماره F	۴/۵۴۱
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۵	معنی داری (P-Value)	۰/۰۰۰
		آماره دورین واتسون	۲/۰۷

نتیجه گیری

اهداف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر مالکیت خانوادگی و شرکتی بر شکاف مالیاتی و نقش تعدیلگر استقلال هیئت مدیره بر این روابط می باشد. در فرضیه اول پژوهش نتایج نشان می دهد بین مالکیت خانوادگی و شکاف مالیاتی شرکت ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. در شرکت ها با مالکیت خانوادگی یک تضاد نمایندگی منحصر به فرد میان سهامداران عمده و خرد شکل می گیرد. هزینه نمایندگی از آنجا ناشی می شود که مالیات یکی از هزینه های مهم شرکت و سهامداران می باشد بنابراین در اینگونه شرکت ها معقول و منطقی به نظر می رسد، شکاف مالیاتی در آنها بیشتر باشد. در حالی که مالکان خانوادگی بیشتر از سایرین نگران جریمه های بالقوه و لطمه به خوشنامی و اعتبار ناشی از ممیزی دولت می باشند و انگیزه کمتری برای برنامه ریزی دارند، بنابراین می توان گفت که در شرکت های با مالکیت خانوادگی، مالیاتی در آنها کمتر باشد. نتایج حاصل از این فرضیه با مطالعات خارجی انجام شده توسط چن و همکاران (۲۰۱۰)، آنیوار و همکاران (۲۰۱۴) و لندری و همکاران (۲۰۱۳)، مطابقت دارد. در فرضیه دوم پژوهش نتایج نشان می دهد که بین مالکیت شرکتی و شکاف

مالیاتی شرکت‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. با توجه به اینکه هدف این سرمایه‌گذاران حداکثر کردن ثروت می‌باشند، می‌توان اذعان کرد مدیران تمایل به انجام فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌های مالیاتی، جهت صرفه‌جویی‌های نقدی و افزایش ارزش شرکت دارند. بنابراین می‌توان انتظار داشت که شرکت‌های با مالکیت شرکتی شکاف مالیاتی در آن‌ها بیشتر باشد. نتایج حاصل از این فرضیه با مطالعات خارجی انجام شده توسط آنیوار و همکاران (۲۰۱۴)، مطابقت دارد. در فرضیه سوم و چهارم پژوهش نتایج نشان می‌دهد که ارتباط بین مالکیت خانوادگی، مالکیت شرکتی با شکاف مالیاتی با در نظر گرفتن استقلال هیئت مدیره تعدیل نمی‌گردد. هیأت مدیره‌های مستقل انتظار می‌رود که بر استراتژی‌های راهبردی شرکت، به ویژه برنامه‌های اتخاذ شده در زمینه مالیات، نظارت مستقیم داشته باشند. به این ترتیب نتایج حاصل از این فرضیه‌ها با مطالعات خارجی (مینیک و نوگا، ۲۰۱۰؛ آنیوار و همکاران ۲۰۱۴، لنیس و ریچاردسون، ۲۰۱۱ و ساتوری ۲۰۰۸) و مطالعات داخلی انجام شده توسط (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳ و پورحیدری و برهانی نژاد، ۱۳۹۲) مطابقت ندارد، ولی با نتایج پژوهش داخلی باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) مطابقت دارد. با توجه به تحلیل نتایج پژوهش، به اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران و تحلیلگران پیشنهاد می‌شود که هنگام ارزیابی شرکت‌ها و سازمان امور مالیاتی در امر تشخیص دقیق و صحیح اشخاص حقوقی، و نیز حساب‌برسان در هنگام حسابرسی به ساختار مالکیت شرکت‌ها از جمله مالکیت خانوادگی و شرکتی معطوف کند تا درک صحیح از رفتار مالیاتی شرکت‌ها داشته باشند. از طرفی پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی بررسی تأثیر سایر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در رابطه بین مالکیت خانوادگی و غیرخانوادگی با شکاف مالیاتی و هزینه نمایندگی مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- باباجانی، جعفر و مجید عبدی. (۱۳۸۹). رابطه اصول راهبری شرکت‌ها و سود مشمول مالیات شرکت‌ها. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال ۲، شماره ۳، شماره پیاپی (۵)، پاییز.
- بحری ثالث، جمال، یعقوب بهنمون و ابراهیم مددی زاده. (۱۳۹۳). ویژگی‌های هیئت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، سال ۷، شماره ۲۲، پاییز.
- پورحیدری، امید و سعیده برهانی‌نژاد. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر خصوصیات اصول راهبری شرکت‌ها بر مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله دانش حسابداری*، جلد ۱۲، ش ۴۹، ص ۸۵-۹۹.
- حسینی، سیدعلی، اثنی عشری، حمیده و الهام لک. (۱۳۹۵). رابطه ساختار مالکیت پیچیده شرکت‌های تابعه با معاملات اشخاص وابسته. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، سال ششم، شماره ۲۱، ص ۴۱-۶۲.
- دیانتی دلیمی، زهرا و پریسا شکراللهی. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر نظام راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش و میزان نگهداشت وجه نقد. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۳۹-۶۱.
- دیدار، حمزه، غلامرضا منصورفر و مهدی کفعمی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۲۱، شماره ۴، ص ۴۰۹-۴۳۰.
- کاشانی‌پور، محمد، کریمی، حسن و ولی‌الله کریمی. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین ساختار هیات مدیره و مالکیت شرکت با افشای اختیاری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، سال چهارم، شماره ۱۴، ص ۱۸۶-۱۶۷.
- مجتهدزاده، ویدا، ابوحمزه، مینا و محمدمهدی میرزایی. (۱۳۹۴). تأثیر کیفیت افشای شرکتی بر کاهش گریز مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۱-۲۱.
- نمازی، محمد و احسان کرمانی. (۱۳۸۷). تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۵، شماره ۵۳، صص ۸۳-۱۰۰.

Babajani, Jafar, Abdi. Majid. (2010). Relationship between Corporate Governance and Enterprises Taxable Profit. *Financial Accounting Researches. Volume (2) , Issue (3) , 65-86. (In Persian)*

Bahri Sales. Jmal, Behnamoon. Yaghoub, Madadinezhad. Ebrahim. (2014). Board of Directors' Characteristics and Tax Aggressiveness. *Management Accounting, Volume (7) , Issue (22) , 53-67. (In Persian)*

- Chen, S. , Chen, X. , Cheng, Q. & Shevlin, T. (2010). Are Family Firms More Tax Aggressive than Nonfamily Firms? *Journal of Financial Economics*, 95.
- Dianati. dilami. Zahra, parissa. shokrollahi. (2015). the Effect of Corporate Governance Structure on the Relation between Tax Avoidance and Corporate Cash Holdings Level and Value. *Journal of Empirical Research in Accounting, Volume (4) , Issue (1) , 39-62.* (In Persian)
- Didar. Hamzeh, Mansourfar. Gholamreza, Kafami. Mehdi. (2014). the impact of corporate governance mechanisms on the tax gap of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing Review, Volume (21) , Issue (4) , 109-430.* (In Persian)
- Fama, E. F. , Jensen, M. C. , (1983). Separation of ownership and control, *Journal of Law and Economics*, No. 26, PP. 301-325.
- Farzin Rezaei, Hossein Moshiri (2014) , Study of the Relation between Ownership Structure and Corporations' Tax Avoidance. *Iranian Journal of Business and Economics, Volume 1, Issue 3.*
- Hairul Azlan Annuar, Ibrahim Aramide Salihu & Siti Normala Sheikh Obid. (2014). Corporate ownership, governance and tax avoidance: An interactive effects, International Conference on Accounting Studies, Kuala Lumpur, Malaysia, Procedia -Social and Behavioral Sciences, August, p: 150 – 160
- Hosseini. Ali, hamide asna ashar, elham lak. (2016). the Relation between Complex Ownership Structure in Subsidiary Firms and Related Party Transactions. *Journal Of Empirical Research in Accounting, Volume (6) , Issue (21) , 41-62.* (In Persian)
- Kashanipour, Mohammad, Hasan. Karimi, Valiollah. Karimi. (2014). The Relation of Ownership and board Structure with Voluntary Disclosure. *Journal Of Empirical Research in Accounting, Volume (4) , Issue (14) , 167-186.* (In Persian)
- Konzelmann, S. J. and Deakin, S. (2004). Learning from Enron. *Corporate Governance, 12:* 134-142.
- Landry, S. , Deslandes, M. & Fortin, A. (2013). Tax aggressiveness, corporate social responsibility and ownership structure. *Journal of Accounting, Ethics & Public Policy, 14 (3) , 611-645.*
- Lanis, R. , G. Richardson (2011). The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting and Public Policy, Vol 30,* pp. 50-70.
- Minnick, K. & Noga, T. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management? *Journal of Corporate Finance, 16 (5) , 703-718.*
- Mojtahedzade. Vida, Mina. Abouhamzeh, Mohammad. Mahdi Mirzaee. (2014). Corporate Disclosure Quality and Tax Noncompliance. *Journal*

- of Empirical Research in Accounting, Volume (4) , Issue (1) , 1-21. (In Persian)*
- Muth, M. M. , and Donaldson, L. (1998). Steward Theory and board structure: A contingency approach. *Corporate Governance*. 6: 5-28.
- Namazi. Mohamamd, Kermani. Ehsan. (2008). Investigating the Effects of Ownership Structure on The Performance of the Companies Accepted in the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing Review, Volume (15) , Issue (4) , 83-100. (In Persian)*
- Pourheidari. Omid, Borhaninezhad. Saeed. (2014). Examining Corporate Governance Characteristics impact on Tax Management in Tehran Stock Exchange. *Journal of Audit Science. Volume (12) , Issue (49) , 85-99. (In Persian)*
- Satori, N. (2008). Effects of strategic tax behaviors on corporate governance. September 1, university of Michigan. Available at SSRN: <http://ssrn.com/>

Board Independence and the Relation between Ownership Structure and the Tax Gap

Mehdi Heidari,¹ Hamzeh Didar,² Sakine Taherian³

Received : 2016/06/12

Approved: 2016/10/14

Abstract

This study is aimed to investigate the effect of the board of director's independence on the relation between ownership structure and the tax gap. The sample includes 62 firms listed in Tehran Stock Exchange during the period from 2007-2013. To test the hypothesis, regression analysis method based on panel data is used. Independent variables are ownership structure including family ownership and corporate ownership and the dependent variable is tax gap which is equal to the difference between determined tax and declared tax. Also the adjusting variable is the board of directors' independence which is equal to the nonexecutive members to the total members ratio of the board of directors. The control variables are firms size, financial leverage and asset return. The findings show that there is a negative significant relation between family ownership and tax gap and a positive significant relation between corporate ownership and tax gap and also the board of directors' independence has no moderating effect on the relations.

Keywords: Tax gap, Board of director's independence, Ownership structure, Family ownership, Corporate Ownership.

Jel clacification: G34,H26,M41

DOI: 10.22051/jera.2017.10279.1301

¹ Assistant Prof. in Accounting Group In Urmia University, Corresponding Author, (m.heydari@urmia.ac.ir)

² Assistant Prof. in Accounting Group In Urmia University, (h.didar@urmia.ac.ir)

³ MSc student of Accounting Group In Urmia University, (taherian452@gmail.com)